یادداشت

سید عبدالله متولیان

نظام انقلابی بن بست ندارد

سال ۱۹۹۷ میلادی ۶۰ تن از نخبگان و استراتژیست‌های امریکایی نقشه راه ۱۰۰ سال آینده امریکا را تحت عنوان «استراتژی امنیت ملی امریکا در قرن ۲۱» تدوین کردند. بر اساس این سند راهبردی اقدامات امریکا در باره ایران مستقل و جزیی نبوده و به‌عنوان ستون اصلی محور مقاومت، در دل استراتژی اقدام بلندمدت امریکا در منطقه غرب آسیا و تغییر ژئوپلتیکی این منطقه تحت عنوان «خاورمیانه جدید» و یا «خاورمیانه بزرگ» طراحی شده بود.

طبق آنچه در کتاب مذکور آمده، امریکایی‌ها به بهانه مبارزه با تروریسم، به‌صورت رسمی و علنی وارد منطقه غرب آسیا شده و ابتدا خاک افغانستان را (به‌عنوان عقبه استراتژیکی هلال طلایی شیعه) اشغال و سپس خاک عراق را (به‌عنوان گرانیگاه و نقطه ثقل هلال طلایی شیعه) نیز به اشغال خود درآوردند. قرار بود با عملیات برق‌آسا، رژیم اسد ساقط و خاک سوریه را هم اشغال و بلافاصله از یک‌سو کانون بحران و فروپاشی به داخل ایران منتقل و از سوی دیگر به تجزیه کشورهای منطقه به کشورهای کوچک‌تر با محوریت قومی و قبیله‌ای اقدام کنند و در یک بازه زمانی بسیار کوتاه و حداکثر تا سال ۲۰۰۷ میلادی طرح بالکانیزه کردن کشورهای مسلمان و از جمله ایران و تبدیل آن به حداقل ۷ کشور کوچک (که نقشه آن در اینترنت در دسترس همگان است) را عملیاتی کنند. برنامه تجزیه کشورها، بسیار دقیق و مهندسی شده طراحی شده بود و در صورت وقوع، امریکایی‌ها با یک تیر اهداف متعددی را نشانه رفته و ضمن تأمین امنیت رژیم صهیونیستی و عقیم سازی و نابودی محور مقاومت، موفق به ایجاد و تثبیت ۱۰۰ ساله جهان تک قطبی و نظم نوین جهانی و هژمون خود در جهان می‌شدند اما آنچه در طرح مذکور نادیده گرفته شده و با سبکسری ارزیابی درستی از آن نداشتند، کوچک شمردن انقلاب اسلامی و اقتدار و عمق استراتژیکی ایران و مدیریت و قدرت نفوذ بی‌بدیل و غیرقابل انکار رهبری ایران اسلامی بود.

رهبر فرزانه ایران اسلامی در همان سال‌ها با قاطعیت به مقابله با طرح استعماری خاورمیانه امریکایی پرداخته و طرح ژئوپلتیکی و ژئواستراتژیکی خاورمیانه بزرگ اسلامی را در سازمان کنفرانس اسلامی مطرح کرده و با استفاده از عمق استراتژیکی ایران و تجمیع قدرت مقاومت، موجب پیدایش موج بیداری اسلامی شده و از تسری تجزیه کشورهای مسلمان آفریقایی به منطقه غرب آسیا و تجزیه کشورهای ایران، سوریه و عراق جلوگیری کرده و با سرعتی غیرقابل باور صحنه نبرد در منطقه غرب آسیا را به نفع ایران و محور مقاومت تغییر داده و ائتلاف نظام سلطه (محور شرارت غربی، عبری، وهابی) را وادار به عقب‌نشینی کردند. ایران خیلی زودتر از آنچه تصور می‌شد اقتدار خود را بر ائتلاف نظام سلطه تحمیل کرده و ثمره و حاصل قشون کشی نظام سلطه، شکست مفتضحانه غرب و عقب‌نشینی امریکا و مجبور شدن به ترک اجباری افغانستان و عراق و سوریه بود. ترامپ در این باره رسماً اذعان و اعتراف می‌کند که بالغ بر هفت و نیم تریلیون دلار در منطقه غرب آسیا هزینه کرده‌اند اما برنده این جنگ ایران و محور مقاومت بوده است.

سرعت فروپاشی هژمون نظام سلطه غرب برای خود کشورهای غربی هم باور کردنی نبوده و نیست. در فاصله زمانی بسیار کوتاه و ظرف چند سال همه چیز علیه امریکا و غرب شد. هژمون نظام سلطه از دست رفت. قدرت اقتصادی امریکا به شدت ضعیف شد. جهان چند قطبی با سرعت در حال شکل گیری است. دلار با سرعت آقایی و سیادت خود را از دست می‌دهد. مشکلات داخلی امریکا در تمامی حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی گلوی هیئت حاکمه آشکار و پنهان امریکا را می‌فشارد. تقریباً کمتر کشوری در جهان حاضر به ائتلاف با امریکاست.

امریکایی‌ها با کمک اروپایی‌ها آخرین حربه خود را به میدان آورده، ضمن «خروج از برجام»، «تشدید همه جانبه تحریم‌ها علیه ایران و مسئولان کشور» و «استفاده از همه ظرفیت‌های شبکه نفوذی خود در ایران»، مسیر فروپاشی ادراکی را با تکیه به ظرفیت بسیار بالای رسانه‌ای و پروپاگاندای خود هموار کردند. فروپاشی ادراکی طراحی شده برای ایران بر پایه: «نارضایتی عمومی و فراگیر»، «ناامیدسازی مردم و مسئولان»، «تخریب فرهنگ عمومی و باورهای مردم»، «بی‌اعتمادی به نظام اسلامی»، «القای ناکارآمدی نظام دینی»، «القای وجود فساد سیستمی و غیرقابل کنترل»، «مرعوب سازی مسئولان»، «عصبانی کردن مردم و القای شورش‌های مردمی»، «تشدید اختلافات حزبی و داخلی و القای دوقطبی‌های مختلف نظیر مردم/نظام و... »، «القای وجود بن‌بست در اداره کشور» و... استوار بود. امریکایی‌ها با قطعیت از تابستان داغ و فروپاشی نظام اسلامی تا سال نو میلادی (دی ماه ۱۳۹۷) سخن می‌گفتند و به منافقین وعده داده بودند که سال نو میلادی را در تهران جشن خواهند گرفت!. اگر چه هیچ‌کدام از سناریوهای نظام سلطه در باره ایران به نتایج دلخواه آنان ختم نشده است، اما هنوز هم غرب کماکان به دنبال فروپاشی از درون از طریق القای بن‌بست و ناکارآمدی نظام اسلامی بوده و هستند. بر این اساس طی سال‌های اخیر یکی از موضوعات مهم که رهبر فرزانه انقلاب دائما مسئولان و مردم را نسبت به آن انذار می‌دهند مسئله عدم وجود بن‌بست در کشور است. معظم‌له هر بار که به این موضوع مهم اشاره می‌کنند بلافاصله نمونه‌های عینی عدم وجود بن‌بست را هم متذکر می‌شوند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار هیئت دولت (روز چهارشنبه ۳۰ مردادماه) برای چندمین بار ضمن تأکید بر این حقیقت که «این واقعیت (شکل گیری نوعی تحرک در سال جاری در زمینه‌های تولید صنعتی، کشاورزی، انرژی، پتروشیمی و لوازم خانگی) نشان می‌دهد کسانی که از بن‌بست در کشور حرف می‌زنند، کاملاً اشتباه می‌کنند.» پرده از استعماری بودن طرح القای بن‌بست برداشتند. شکی نیست که قبول بن‌بست به منزله قبول فروپاشی نظام و تحقق اهداف شیطانی غرب خواهد بود و ترس از دشمن را در پی خواهد داشت. ترس از دشمن سبب عدول از ارزش‌ها و آرمان‌ها و قبول سازش و تسلیم شدن در برابر زیاده‌خواهی دشمن خواهد شد حضرت امام خامنه‌ای در پنجم تیرماه ۱۳۹۲ نیز در جمع مسئولان قضایی از باز بودن راه انقلاب اسلامی سخن گفته بودند: «راه نظام جمهوری اسلامی، راه خدا است؛ هدف‌ها، هدف‌های الهی است؛ تکیه‌گاه، اراده الهی است؛ و اینچنین راهی هیچ‌وقت به بن‌بست منتهی نخواهد شد. این را همه باید بدانند و مطمئن باشند که به توفیق الهی و به اذن‌الله بن‌بستی در راه ما وجود نخواهد داشت.» کشتیبان انقلاب در ۲۴ تیرماه سال گذشته نیز در دیدار غیرمترقبه با هیئت دولت از عدم وجود بن‌بست در کشور سخن گفته بودند: «درست است که وضعیت کشور با چالش‌هایی همراه است، اما بدان معنا نیست که کشور در «انسداد» یا «بن‌بست» قرار داشته باشد. این راه، چالش دارد؛ اما راه باز است، بن‌بست وجود ندارد. هدف جبهه مخالف نظام اسلامی و انقلاب اسلامی و دشمن ما این است که راه را بن‌بست نشان بدهد. خودشان هم می‌گویند ما بایستی این کارها را بکنیم، این فشارها را وارد کنیم، این محاصره را بکنیم، این تحریم را بکنیم، تا مسئولان جمهوری اسلامی در محاسبات خودشان تجدیدنظر کنند».

این که طی سال‌های اخیر مقام معظم رهبری بر این موضوع مکرراً تأکید دارند ناشی از سه حقیقت مهم است:

۱- دشمن برای تحقق اهداف شیطانی خود روی القای بن‌بست در نظام اسلامی حساب ویژه‌ای باز کرده و تنها راه به زانو درآوردن نظام و مردم را بن‌بست نشان دادن امور است.

۲- نه تنها هیچ بن‌بستی در کشور وجود ندارد بلکه به ضرس قاطع می‌توان گفت که تنها راه شکست دادن دشمن و به بن‌بست کشاندن نظام سلطه، عدم قبول بن‌بست در کشور است.

۳- تأکید چند باره رهبر معظم انقلاب اسلامی به مسئولان اجرایی و دولتمردان در باره عدم وجود بن‌بست نشان می‌دهد که نقطه هدف عملیات القای بن‌بست در کشور، دولتمردان و مسئولان اجرایی بوده و دولت محترم با جدیت تمام در مسیر مقابله به این طرح شیطانی گام بردارد. راه عملی مقابله با طرح بن‌بست سازی، تغییر الگوهای مدیریتی در دولت محترم از وضع موجود به الگوی مدیریت جهادی و انقلابی و حضور ۲۴ ساعته آنان پشت خاکریز جنگ اقتصادی است.

خبر

رئیس سازمان بسیج:

رسالت بسیج سازماندهی جوانان در تحقق فرامین رهبری است

حضور سازمان یافته جوانان و نوجوانان برای تحقق فرامین مقام معظم رهبری اصلی‌ترین رسالت بسیج در گام دوم انقلاب اسلامی است.

به گزارش سپاه نیوز؛ سردار سرتیپ پاسدار غلامرضا سلیمانی روز گذشته در همایش سالانه استادان و نخبگان بسیجی، تحقق فرامین مقام معظم رهبری را اصلی‌ترین رسالت بسیج در گام دوم انقلاب حوزه‌های علمیه دانست و افزود: برای حضور سازمان یافته جوانان و نوجوانان برای تحقق فرامین مقام معظم رهبری در گام دوم انقلاب نیازمند کمک استادان حوزه‌های علمیه، علمای بسیجی و روحانیون هستیم.

وی با بیان اینکه مطالبه گری، پرچم‌داری و عدالت‌خواهی در جامعه باید به همت نیروهای انقلاب و بسیجی محقق شود، افزود: همه ظرفیت‌ها را در این زمینه بسیج مستضعفان برای همه قشرهای بسیجی آماده می‌کند.

رئیس سازمان بسیج کشور با تأکید بر اینکه طرح اعتلای پایگاه‌های مقاومت محلی بسیج برادران و خواهران در دستور کار است، گفت: این طرح برای دستیابی به منظومه فکری مقام معظم رهبری و نقشه راهی که ایشان ترسیم کرده‌اند اجرا می‌شود. سردار سلیمانی گفت: خدمت رسانی، مردم یاری و مردم‌داری از اهداف سازمان بسیج مستضعفان در بیانیه گام دوم انقلاب است. وی افزود: بر همین اساس در سیل اخیر ۱۱ هزارو ۵۰۰ واحد مسکونی با مسئولیت بسیج مستضعفان و با توافق بنیاد مسکن بر عهده این سازمان قرار گرفت که واحدهای تعمیری تا پایان شهریور امسال و واحدهای احداثی تا پایان آذر ماه تحویل داده می‌شود.

رئیس سازمان بسیج کشور با اشاره به اینکه ۱۶۰ هزار بسیجی در ۵۴ هزار پایگاه بسیج خواهران و برادران، ۶۰ هزار واحد دانش‌آموزی و ۱۴۲ هزار واحد سازمانی بسیج در کشور فعال است، گفت: این سازمان ۴۰ هزار طرح محرومیت‌زدایی را از سال گذشته همزمان با ۴۰ سالگی انقلاب بر عهده گرفته که ۲۰ هزار طرح آن به بهره‌برداری رسیده است.

گزارش

مشاور فرمانده معظم کل قوا:

ائتلاف علیه ایران را تحمل نمی کنیم

مشاور فرمانده معظم کل قوا در حوزه صنایع دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح تأکید کرد: یقیناً اجازه نخواهیم داد که ائتلافی در منطقه ما علیه ما به اصطلاح ایجاد وضعیت کند؛ ما حتماً این وضعیت را تحمل نخواهیم کرد.

به گزارش تسنیم، سردار حسین دهقان، در گفت‌وگویی با شبکه امریکایی سی بی اس درباره توقیف نفتکش حامل نفت ایران از سوی انگلیس و تبعات بعد از آن گفت: اولاً ما این اقدام را یک راهزنی دریایی از طرف انگلیسی‌ها تلقی می‌کنیم؛ ثانیاً از نظر ما انگلستان امروز به عنوان یک پادوی محلی و منطقه‌ای برای امریکا مشغول ایفای نقش در منطقه غرب آسیاست. همچنین در جریان این ماجرا ثابت شد که دیگر ادعای غروب نکردن خورشید در بریتانیای کبیر اعتباری ندارد و آنها امروز بیشتر بریتانیای صغیر هستند که برای تأمین منافع امریکایی‌ها اقدام می‌کنند.

■ مدعیان ایجاد ائتلاف، خود تنش آفرین هستند

سردار دهقان درباره واکنش ایران به تشکیل ائتلاف دریایی در خلیج فارس، تصریح کرد: خود همین حضور امریکایی‌ها و دعوت از دیگران برای پیوستن به ائتلاف مورد اشاره نوعی ایجاد تشنج و ارتقای سطح تنش در منطقه است. در طول تاریخ و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تنها کشوری که امنیت خلیج فارس و تردد شناورهای کشورهای مختلف از تنگه هرمز و خلیج فارس را تأمین کرده جمهوری اسلامی ایران بوده و ما هیچ وقت عامل و زمینه‌ساز تشنج نبوده‌ایم؛ ثانیاً کشورهای زیادی برای پیوستن به ائتلاف مورد اشاره به امریکایی‌ها پاسخ مثبت ندادند؛ اینکه اسرائیل می‌آید در این وضعیت، پاسخ مثبت می‌دهد و اعلام می‌کند که به این ائتلاف می‌پیوندد خودش سؤال است که آیا چنین اتفاقی خواهد افتاد یا نه؟ شاید بتوانیم اینطور بگوییم که این ائتلاف در کنار سایر ائتلاف‌هایی که در منطقه در گذشته شکل گرفت و همه آنها به شکست انجامید یقیناً قبل از اینکه شکل بگیرد خود به خود شکست خورده متولد شده است.

■ اجازه نمی‌دهیم ائتلافی علیه ما ایجاد شود

مشاور فرمانده معظم کل قوا در حوزه صنایع دفاعی و پشتیبانی نیروهای مسلح ادامه داد: از نظر ما تشکیل هر نوع ائتلافی در منطقه خارج از مشارکت کشورهای منطقه، تنش‌زا است بنابراین هر کسی که به این ائتلاف بپیوندد از نظر ما اقدامی خصمانه علیه جمهوری اسلامی انجام داده و به طور طبیعی ما حق خودمان می‌دانیم که با این ائتلاف مقابله کنیم و یقیناً اجازه نخواهیم داد که ائتلافی در منطقه ما علیه ما به اصطلاح ایجاد وضعیت کند. ما حتماً این وضعیت را تحمل نخواهیم کرد و این هم تنها سپاه پاسداران نیست که بخواهد مقابله کند؛ جمهوری اسلامی ایران عزم و اراده قاطعی دارد. همه سیاسیون ما، همه اعضا، همه گروه‌ها از رهبری تا مردم عادی کوچه و بازار یکپارچه و متحد و با عزم راسخی مقابل این توطئه امریکایی‌ها خواهند ایستاد و ما اجازه نخواهیم داد امریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها منطقه را به تشنج بکشند. باید به این نکته نیز اشاره کنم که به هر حال لابی صهیونیست در امریکا و کاخ سفید حاکم است؛ آنها در حال تشویق امریکا به تشکیل ائتلاف در منطقه ما هستند.

■ دزد مسلح برای احوالپرسی به دزدی نمی‌رود

وی در پاسخ به خبرنگار شبکه سی بی اس درباره ساقط شدن پهپاد امریکایی از سوی ایران و ادعاهای ترامپ درباره لغو حمله نظامی به ایران عنوان کرد: من از شما سؤال می‌کنم اگر یک دزد، مسلحانه به منزل شما حمله کرد و خواست تمام دارایی شما را با خودش ببرد، در ضمن شما را هم مورد سوءقصد قرار بدهد آیا می‌نشینید و تشویقش می‌کنید؟ هواپیمای امریکایی به مرز هوایی ایران تجاوز کرد و از مرز ما عبور کرد؛ حداقل سه بار به او اخطار داده شد و این هواپیما با مراکز فرماندهی خودش هم مرتب در تماس بود و پیام‌های این مرکز را دریافت می‌کرد ولی کماکان به اقدامات خودش ادامه داد و به طور طبیعی مورد هدف قرار گرفت؛ هر متجاوزی به مرزهای ما همین وضعیت برایش پیش خواهد آمد و این هم یک امر طبیعی است، چون آنها وضعیت فوق‌العاده را علیه ما ایجاد کردند بنابراین ما نمی‌توانیم تصور کنیم که هواپیمای آنها مثلاً آمده یک احوالپرسی از ما کند و برود؛ آن چیزی که در این رابطه قطعی است آن است که پهپاد امریکایی‌ها با هدف خصمانه به مرز ما تجاوز کرده و پس از بی توجهی به اخطارهای صادره از جانب ما، مورد هدف قرار گرفته است.

■ عاقلان در امریکا از جنگ با ایران استقبال نمی‌کنند

سردار دهقان ادامه داد: اینکه ترامپ اعلام کرده که من ۱۰ دقیقه تا جنگ فاصله داشتم و به این سبب که افرادی کشته نشوند حمله را متوقف کردم بیشتر به یک شوخی و یک مزاح از جانب یک جاهل قداره‌کش شبیه است؛ از نظر سردمداران امریکا، بشریت در مقابل منافع امریکا هیچ ارزشی ندارد؛ امریکایی‌ها در لیبی و عراق و افغانستان و یمن جنایت می‌کنند و آدم می‌کشند؛ امریکایی‌ها تا به امروز در دنیا هر کاری خواستند علیه هر ملتی انجام دادند؛ اما یک ملت در مقابل آها ایستاده آن هم ملت ماست؛ اگر آقای ترامپ تصور می‌کرد می‌تواند اقدامی انجام دهد که پیامد آن را کنترل کند بی‌تردید اقدام می‌کرد؛ امروز ترامپ قادر نیست در فضای اداری و مدیریت کشور امریکا ایجاد رفاه کند؛ فقط بخش‌های تندرو اداره سیاسی امریکا که بولتون و پمپئو را شامل می‌شود به دنبال این هستند که یک وضعیت جنگی علیه ما در منطقه ایجاد کنند؛ کسانی که در امریکا صاحب عقل و تجربه هستند به هیچ عنوان از جنگ با ایران استقبال نمی‌کنند. دهقان درباره مذاکره ایران با امریکا گفت: اولاً ما به حسن نیت ترامپ به شدت مظنون هستیم. وقتی ما یک مذاکرات طولانی مدت با طرف‌های امریکایی انجام دادیم و با کشورهای اروپایی به یک اجماعی رسیدیم و توافق برجام با تأیید شورای امنیت سازمان ملل حاصل شد، ترامپ، امریکا را از آن خارج کرد و اکنون به دنبال اخذ امتیازات بیشتر از ماست. از سویی دیگر شأن اخلاقی رئیس جمهور ما فراتر از این است که با یک انسان این چنانی مثل ترامپ بخواهد مذاکره کند، چون برای او هویت مستقلی قائل نیستیم. یک گانگستری است که تصور می‌کند با بلوف و گنده‌گویی می‌تواند هر کاری در دنیا بکند. به همین دلیل قابل اطمینان نیست.

دهقان ادامه داد: ما با ترامپ تحت هیچ شرایطی ملاقات نخواهیم کرد، چون ما او را بدقول و غیرقابل اطمینان و مذبذب می‌دانیم. باز هم تأکید می‌کنم ما ترامپ را غیرقابل اطمینان می‌دانیم و معتقدیم او بیشتر دنبال یک بهره‌برداری داخلی برای کمپین تبلیغاتی انتخابات ۲۰۲۰ امریکا است تا اینکه دنبال حل مسئله با ایران باشد.

ویژه

■ منتظر اعلام برائت احمدی‌نژاد

عبدالرضا داوری، مشاور رسانه‌ای محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور سابق کشورمان فداییان اسلام را بنیانگذار تروریسم اسلامی دانست و خواستار حذف عنوان «شهید» از نام شهید سید مجتبی نواب صفوی شد. نواب صفوی، شناخته شده‌تر از آن است که نیاز باشد در این مطلب اجمالی به شرح و تبیین اعتقادات و دیدگاه‌های او پرداخته شود، اما نقش او و گروهش در برانگیختن مردم ایران برای ایستادگی مقابل خیانت‌های پهلوی و سایر دولتمردان رژیم طاغوت انکارناپذیر است، تا جایی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مورد این شهید گرانقدر می‌فرمایند: «اولین جرقه‌های انگیزش انقلابی به وسیله نواب در من به وجود آمد.» نواب صفوی زمانی سطح مبارزه با طاغوت را به ایستادگی مقابل دولتمردان فاسد درباری کشاند که هنوز همه مردم اعتماد به نفس لازم برای قیام را نداشتند. از این رو بود که رهبر انقلاب روی عکسی از شهید نواب در وصف او نوشتند: «سلام بر آن پیشاهنگ جهاد و شهادت در زمان ما.» حالا داوری می‌نویسد که فداییان اسلام تضاد صریح با بینش و روش امام خمینی داشته‌اند! و پایه گذار تروریسم اسلامی بوده‌اند و... ضدانقلاب هم برای تشویق او صف می‌کشند. برای داوری البته این تشویق معاندان معنای بدی ندارد. او اخیراً خط قرمز دیگری را هم رد کرد و در گفت‌وگویی تلویزیونی در شبکه سعودی ایران اینترنشنال شرکت کرد. این شبکه یادآور روز حمله تروریستی به رژه نیروهای مسلح در اهواز است؛ زمانی که هنوز پیکر خونین زن و مرد و کودک ایرانی روی زمین بود و این شبکه میزبان سخنگوی گروهک تروریستی عامل عملیات شد تا با افتخار مسئولیت عملیات را بر عهده بگیرند و به دروغ مدعی شوند که صرفاً به نیروهای نظامی ایران حمله کرده‌اند که همان هم البته جای دفاع نداشت. اینترنشنال همایش سازمان منافقین (مجاهدین خلق) را هم به صورت پخش مستقیم پوشش داد. عبدالرضا داوری آنجا چه کار دارد؟ چرا باید به شبکه حامی تروریسم علیه مردم ایران رسمیت بدهد؟!

اطرافیان رادیکالی که اطراف محمود احمدی‌نژاد را گرفته بودند، با مرور زمان گویی نقاب انداخته‌اند و با وجوهی از شخصیت آنان آشنا می‌شویم که این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا محمود احمدی‌نژاد نمی‌خواهد با اینان که از سر جمع شدن دور او و به نام حمایت از او برای خود نام و شهرتی دست و پا کردند و حالا خط قرمزها را یکی پس از دیگری رد می‌کنند، مرزبندی کند؟

همسر شهید نواب صفوی پاییز سال ۸۸ در مورد احمدی‌نژاد گفته بود: «شجاعت احمدی‌نژاد در مقابل اسرائیل، امریکا و مخالفین قابل تحسین است ضمن اینکه ایشان بسیار ساده زیست هستند و او علاقه‌مندان بسیاری در سراسر دنیا دارد.» این هم دستمزدش.

■ این مدیر ناکارآمد می‌گوید من روشنفکرم!

عباس آخوندی، وزیر مستعفی دولت روحانی پس از کناره گیری از وزارت همه تلاشش را می‌کند تا دو گزاره شخصیتی برای خود درست کند؛ اول نظریه پرداز سیاسی و روشنفکر و دوم منتقد و مخالف دولت! یادداشت‌های بی ارتباط با حوزه فعالیتش می‌نویسد، ژست تئوری پردازی می‌گیرد و تازگی هم منتقد شده و در مصاحبه با روزنامه اعتماد گفته: «دولت بعد از برجام ایده‌ای برای حل‌وفصل سایر امور ایران ندارد؛ خواه این امر اجتماعی و فرهنگی باشد، خواه سیاسی و اقتصادی... از نظر من کاندیداتوری حسن روحانی برای دولت دوازدهم اشتباه بود اما به هر حال حمایت شد.» و بعد اختلافش با دولت را شرح می‌دهد: «بحث و اختلاف من با دولت این بود که بیش از حد در بازار و قیمت گذاری دخالت می‌کند. از من هم می‌خواستند تا در حوزه تحت مدیریتم همین مداخله‌ها را داشته باشم. این در حالی بود که من معتقد بودم هر دولتی که شروع به مداخله کند، چاله‌ای پیش پای خود کنده است. از نظر من درخواست برای مداخله دولت در بازار، تله‌ای مرداب برای دولت بود که در آن هم افتاد.» آخوندی در مدت پنج سالی که در دو دولت روحانی وزیر مسکن بود، حتی یک مسکن برای مردم نساخت و افتضاحاتی همچون برخورد دو قطار در ایستگاه سمنان را هم در کارنامه خود دارد و در صف استیضاح بود که خود استعفا داد و کنار کشید.

اما زیر تیتر روزنامه اعتماد برای مصاحبه با عباس آخوندی هم جالب است: «من روشنفکری هستم که وارد حوزه اجرا شدم!» در مورد این ادعا، اکبر منتجبی، فعال رسانه‌ای اصلاح طلب و عضو تحریریه روزنامه سازندگی پاسخ جالب توجهی در کانال تلگرامی‌اش نوشته که به ذکر همان بسنده می‌کنیم: «آقای آخوندی که از سال ۱۳۵۸ تا مدتی پیش سمت‌های مختلف و مهمی در کشور داشته، گفته است: من روشنفکری هستم که وارد حوزه اجرا شدم. این دومین بار است که آقای آخوندی خود را روشنفکر می‌خواند. اساسا، کسی که اهل معرفت و نظر باشد، درباره خود چنین بی محابا سخن نمی‌گوید یا خود را چنین معرفی نمی‌کند. کتاب‌ها و مقالات در حوزه نظر و اندیشه، گویای معرفت افراد هستند. کتاب‌های منتشره آقای آخوندی عبارتند از: -کاربرد پلیمرها در خاک مسلح. انتشارات مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن. -بررسی مبانی نظری خصوصی سازی از منظر رابطه دولت – بازار، نشر پیشبرد، ۱۳۸۲. -مدیریت بازسازی مناطق زلزله زده: تجربه زلزله گیلان و زنجان. با همکاری حسین بحرینی (۱۳۷۹) انتشارات دانشگاه تهران. -اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از نگاه بخش خصوصی. با همکاری اعظم فیروزی (۱۳۹۰). کدام یک از این کتاب‌ها در حوزه روشنفکری است؟ گذشته از آن، روشنفکری آنهم از نوع ایرانی‌اش چه گرهی گشوده که بخواهیم به ریسمان آن متوسل شویم؟»

یادداشت

محمد اسماعیلی

مکر پلیس بدبرجام

غالب اهداف امریکا-اروپا بعد از گذشت چهار سال از امضای برجام رنگ تحقق به خود گرفته است و در مقابل اهداف طرف ایرانی در پایین ترین سطح ممکن نیز محقق نشده است و امروز بعد از گذشت ۶۰ ماه برای اجرای دم دستی ترین تعهدات اروپا این الزام تصنعی مورد توجه قرار گرفته است که این ایران است که باید برای زنده ماندن برجام رضایت طرف‌های غربی را جلب کند!

۱- محمد جواد ظریف در مصاحبه‌های مختلفی طی دو سال اخیر به این نکته تصریح کرده است که اروپا و امریکا به یک میزان ناقض برجام هستند و هیچ کدام از تعهدات خود را در مقابل ایران اجرایی نکرده‌اند و در مقابل به این نکته پرداخته است که ایران تمام تعهدات خود را در مقابل طرف مقابل اجرایی کرده است. محمد جواد ظریف ۱۴ اردیبهشت ماه امسال در مصاحبه‌ای اختصاصی با پایگاه لوب‌لاگ می‌گوید: «اروپا همان‌طور که شما به‌درستی گفتید به کمتر از ۱۰ درصد از تعهداتش عمل کرده است، در واقع، بیش از ۱۰۰ درصد در بیانیه‌های عمومی و کمتر از یک درصد در پایبندی واقعی به تعهداتش.» وی همچنین در ۹۶/۱۲/۱۴ در گفت‌وگو با روزنامه اعتماد بیان می‌کند: «در حال حاضر دو گروه برجام را نقض کرده‌اند؛ امریکا و اروپا؛ امریکایی‌ها به دلیل سیاست‌های واشنگتن و اروپایی‌ها به دلیل سیاست‌های امریکا.» ظریف همچنین در ۹۸/۰۵/۳۱ در مؤسسه امور بین الملل نروژ (نوپی) با تأکید بر اینکه «ما هیچ منافعی از برجام به دست نیاوردیم» می‌گوید: «ما هیچ منافعی از برجام به دست نیاوردیم و من درباره جزییات پیشنهاداتی که مطرح شده با مکرون گفت‌وگو می‌کنم.»

اینگونه اظهارات وزیر خارجه کشورمان به صراحت و بدون هیچ ابهامی نشان می‌دهد که طرف ایرانی ساده‌ترین و پیش پا افتاده ترین اهداف خود در متن برجام را نیز نتوانسته اجرایی کند و در نگاه نخست این یک اعتراف بزرگ به ناتوانی نسخه برون زا برای اداره کشور و سامان دادن به مشکلات اقتصادی کشور از طریق مذاکره مستقیم و تعدیل شده با غرب است. ۲- اما رفتار و مواضع وزارت خارجه که در ادامه به بخش‌های از آن اشاره می‌شود نشان می‌دهد که برجام همچنان مسئله اولویت دار بوده و الگوگیری از آن یک شاخص حیاتی برای اداره کشور به شمار می‌آید. کمااینکه جهت گیری و رایزنی‌های دیپلماتیک در قالب سفر مقامات وزارت خارجه به کشورهای غربی دست کم طی ماه‌های اخیر نشان داده است که حفظ برجام به هر قیمت –با کیفیت و میزان موفقیتی که محمدجواد ظریف از آن یاد می‌کند- یک اولویت تمام عیار برای دولت است. ایران امروز در جایگاه منتقد سرسخت اجرای برجام و شکل اجرای تعهدات کشورهای اروپا و امریکا است و در رویه‌ای بحث برانگیز و قابل تامل برای زنده نگه داشتن توافق هسته‌ای با «کاتالیزور تأمین خواسته‌های حداکثری امریکا» در مذاکرات هسته‌ای یا همان کشور فرانسه وارد مذاکرات فشرده شده است تا برجام زنده بماند!

فرانسه قبل و حین مذاکرات هسته‌ای با ماده و تبصره‌هایی که به متن برجام افزود، دسترسی ایران به منافع حداقلی را نیز مسدود کرد و از اردیبهشت ماه سال ۹۷ تاکنون (زمان خروج امریکا از برجام) همانند انگلیس و آلمان هیچ اقدامی جهت تأمین منافع طرف ایرانی صورت نداده است. طرف ایرانی نیز عملا تلاشی برای تغییر محاسبات کشورهای اروپایی مبنی بر «ایران در هر شرایط و موقعیتی نیز از برجام خارج نشده و تنها به کاهش تعهدات نمایشی بسنده می‌کند» صورت نداده است و در مقابل به گونه‌ای رفتار کرده است که فرانسه پیشنهاد گستاخانه مبنی بر «ارائه پول به طرف ایرانی مشروط به آغاز مذاکرات منطقه‌ای و توقف افزایش سطح غنی سازی» را ارائه دهد.

۳- «اغماض بدون سقف ایران در مقابل رویکرد اروپا» و «تلاش‌های سیاسی -دیپلماتیک محرمانه و سفر به اروپا» و «اصرارهای دامنه دار برای جلب رضایت اروپایی‌ها طی ماه‌ها اخیر» با گفته‌های محمدجواد ظریف درباره بدون دستاورد بودن برجام و عدم اجرایی شدن یک درصد از برجام توسط اروپایی‌ها در پارادوکس است و همچنان این علامت سؤال را مقابل افکار عمومی قرار می‌دهد که اصرار بلاوجه برای زنده نگه داشتن برجام آنهم در شرایطی که فرانسه، آلمان و انگلیس هیچ اراده و تمایلی به تأمین منافع حداقلی ایران ندارند، به چه دلیل است؟

پافشاری متمرکز برای زنده نگه داشتن برجام، در حالی است که برجام نه تنها صنعت هسته‌ای را به حالت تعطیلی کشاند و عامل بازگرداندن و گسترده تر شدن تحریم‌های ضدایرانی شد بلکه علاوه بر «احساس خودکوچک‌بینی در مقابل غرب و تزریق روحیه ناامیدی نسبت به آینده در جامعه»، «ایجاد بی انگیزگی در قشر نخبه برای تحصیل در رشته‌های مهم دانشگاهی نظیر فیزیک و شیمی هسته‌ای»، «نگه داشتن ایران ذیل فصل هفتم طبق قطعنامه ۲۲۳۱»، «ایجاد بهانه‌های جدید و منطبق بر مفاد قطعنامه ۲۲۳۱ برای اروپا-امریکایی نظیر خلاف قوانین القا کردن آزمایش موشکی ایران»، «چهارچوب‌مندسازی رفتار هسته‌ای -دفاعی ایران طبق نظام دلخواه غرب»، رکود، گرانی، تورم و بیکاری و افزایش روزافزون مشکلات اقتصادی را برای جامعه ایرانی به همراه داشته است.

سرمقاله

چه کسانی به نظام ظلم می‌کنند؟

ادامه از صفحه یک

چهارمین دسته کسانی هستند که مرتب در حال مثال‌آوری از بیرون برای راستی‌آزمایی اقدامات و تصمیمات حاکمیتند تا الگوی بومی مسیر تمدن‌سازی نهادینه نشود. حضرت امام فرمود: «خدا لعنت کند دست‌هایی را که خودباوری را در جوانان ما می‌کشند و می‌گویند هرچه هست آنجاست». (غرب) کار این افراد به سخره گرفتن نظام، سیاست‌ها، تدابیر و آورده‌های آن در مقابل چشم ملت است.

پنجمین دسته کسانی هستند که زیر تابلوی نظام دینی، سیری‌ناپذیرند، مزایای نسبی اقتصاد کشور و رانت را دالان حرکت خود کرده‌اند، یقه آخوندی پوشیده‌اند اما از یک‌سو سیر نمی‌شوند و از سوی دیگر فاقد خاصیت و کارآمدی در عرصه مدیریت هستند. بی‌عرضگی زیبنده آنان است و آنان آینه مخدوش و گردگرفته‌ای هستند که صدف انقلاب اسلامی را به لجن کشیده‌اند. جوانان انقلابی باید با پرچم عدالت‌خواهی و شایسته‌خواهی دکان آنان را به تعطیلی کشانند.

ششم ظلمی است که مردم از طریق انتخابات به خود می‌کنند. بین رأی و نیازشان همبستگی وجود ندارد. کسانی را بعضاً برمی‌گزینند که از طریق ناکارآمدی یا سیری‌ناپذیری هم مشغول ظلم به ولی‌نعمت هستند و هم تصویری مخدوش از نظام به همان مردمی که انتخاب‌شان کرده‌اند مخابره می‌کنند. راه چاره این است که اجزا و افراد حاکمیت برای هر رفتار خود مضرات و آفت قائل باشند، مسئولیت را امانت بدانند، «نحن اقرب من حبل‌الورید» را باور داشته باشند و در اتاق شیشه‌ای زندگی کنند و مردم این تجربه اندوخته را در هر انتخاباتی یک پله به کمال برسانند.

هفتم کسانی هستند که همه کاره حکومتند اما گویی قوانین سلبی حکومت قرار است سراغ آنان نیاید و اگر آمد قیصریه را به آتش می‌کشند و هزاران سرّ در سینه و بگم‌بگم را در قبای زشت شبهه می‌پیچند و به خورد اجتماع می‌دهند. ناراحتی‌شان نه برای نظام و مردم که صرفاً برای